

اختلافات اساسی و کلی در مذهب تشیع و تسنن چیست؟

منشأ اختلافات بین شیعه و اهل سنت، اختلاف در امامت بعد از رسول خدا(ص) است. اهل سنت اعتقادی به منصوب شدن امامان دوازده گانه از طرف پیامبر ندارند ولی شیعه معتقد است که پیامبر از طرف خدا، علی(ع) و فرزندان او را به عنوان امام و رهبر تعیین کرد و به مردم ابلاغ نمود که آنان میبایست و مفسر قرآن و آگاه به رمز و رموز و بطون آن هستند.

شیعیان در اعتقادات و در فروع دین تابع سلوک و تعلیمات امامان(ع) بوده و معارف دینی را از آنان گرفته و معتقدند که امامان به قرآن آشنا تر و به سنت پیامبر آگاه تر از دیگران بودند. شیعه علی(ع) را برتر از بقیه صحابه پیامبر می دانند و او را آگاه تر و فقیه تر و عادل تر از بقیه می شناسد، همین طور در زمان امام باقر و امام صادق(ع) اینان از دیگران مانند ابوحنیفه داناتر بوده اند. شیعه سنت پیامبر را از طریق اهل بیت گرفته اند ولی اهل سنت، سنت پیامبر را از غیر اهل بیت می گیرند. در نتیجه در بسیاری از مسائل مهم اعتقادی و فقهی در مانده اند و به گمان و اجتهادات شخصی استناد کرده اند. اختلاف در جبر و اختیار، امامت و رهبری و در احکام شرعی مانند کیفیت وضو، ارث، نماز و روزه مسافر از این قبیل است

تفاوت ایدئولوژی دو فرقه شیعه و سنی در اسلام چیست؟

با ارتحال جانشین پیامبر گرامی اسلام و قطع ارتباط مسلمانان با غیب و وحی در اثر استفاده از رأی و اجتهاد شخصی، اختلاف های فراوانی بین مسلمانان بوجود آمد که در نهایت به پیدایش مذاهب مختلف و حوادث گوناگون منجر شد. از جمله موارد اختلاف در میان مسلمانان عبارت بودند از:

۱. اختلاف در امامت و جانشینی پیامبر اکرم

۲. اختلاف در آوردن قلم و کاغذ طبق درخواست پیامبر گرامی پیش از وفات آن حضرت

۳. اختلاف در رحلت پیامبر گرامی به این معنا که آیا آن حضرت می میرد و یا مثل حضرت

عیسی غ به آسمان برده می شود؟!

۴. اختلاف در محل دفن آن حضرت

۵. اختلاف در فدک که متعلق به حضرت زهرا ۳ بود و... هر کدام از اختلاف های مذکور برای

اسلام و مسلمانان زیان هایی را در بر داشت، ولی مهمترین و برجسته ترین این اختلافها بحث

امامت و جانشینی پیامبر گرامی بود که سایر اختلافها را تحت الشعاع خود قرار داد.

شیعیان پیرو حضرت علی و معتقد به جانشینی بی واسطه آن حضرت بعد از پیامبر گرامی و نص و

تصریح ولایت آن حضرت در غدیر خم از طرف پیامبر اکرم می باشند که در پی آن پیامبر

اسلام مردم را در صحرای گرم و سوزان "خُم" متوقف کرد و با بیان خطبه ای از جمله فرمود:

"من كنت مولاه فهذا علي مولاه؛ هر کس من مولا و ولی او بوده ام، علی [M] مولا و ولی او

است..." و به همین مناسبت آیه ۶۲، سوره مائده نازل شد. (الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج

۱، ص ۴۲۰، دارالکتب الاسلامیه، تهران.) و حدیث مذکور در منابع و کتاب های معتبر اهل تسنن

نیز نقل شده است. (ر.ک: الدر المنثور، جلال الدین السیوطی، ج ۳، ص ۹۸، دار احیاء التراث

العربی، بیروت.)

به اعتقاد شیعیان ولایت و امامت حضرت علی بن ابیطالب در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار

گرفته و شأن نزول آیه ۵۵، سوره مائده که به آیه ولایت معروف است - و نیز بسیاری دیگر از

آیات قرآن کریم درباره حضرت علی می باشد. (ر.ک: تفسیر مجمع البیان، مرحوم طبرسی، ج ۲،

ص ۱۲۶-۱۲۹، منشورات دارمکتبه الحیاه، بیروت.)

شیعه معتقد است که پس از حضرت علی امام معصوم: یکی پس از دیگری جانشین پیامبر و بیان کننده قرآن و احکام الهی هستند و معتقدند که تمام وظایف و شئون پیامبر به جز دریافت وحی تشریحی، برای آنان ثابت است، به همین جهت احکام و معارف اسلامی را از آنان دریافت نموده و پیرو مکتب اهل بیت: می‌باشند.

شیعیان همچنین معتقدند که پیشوای مسلمانان باید عادل، عالم و معصوم باشد و چنین کسی منصوب شده از ناحیه خداوند متعال است و شخص غیر معصوم نمی‌تواند امامت و ولایت مسلمانان را بر عهده بگیرد و آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) دلیل روشنی بر عصمت اهل بیت:

می‌باشد. (ر.ک: تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۷، ص ۲۹۷-۳۰۶، دارالکتب الاسلامیه، تهران.)

ولی اهل تسنن چنین اعتقادی را ندارند و جانشینی پیامبر گرامی را به بیعت جمعی از مسلمانان با فردی و یا وصیت یک خلیفه نسبت به خلیفه بعد از خود و... معتبر می‌دانند و اعتقاد دارند که برای خلافت و رهبری مسلمانان عصمت شرط نیست و مردم هر کس را برگزیدند گرچه عادل هم نباشد، کفایت می‌کند! آنان بعد از رحلت پیامبر گرامی به خلافت ابوبکر، عمر و عثمان معتقد هستند و حضرت علی را خلیفه چهارم! می‌دانند.

آنان منصبی را که شیعیان برای امامان معصوم: قائلند، قبول ندارند و اغلب آنان در احکام و معارف اسلامی از فتاوی چهار امام معروف خود و احادیثی که در کتاب‌های روایی خود مانند "صحاح سته" و... جمع آوری شده، پیروی می‌کنند.

از آن جا که شیعیان براساس دلایل عقلی و نقلی معتبر مانند: حدیث "ثقلین" و دلایل دیگر در احکام و معارف اسلامی پیرو مکتب اهل بیت: [قرآن و عترت] می باشد؛ ولی اهل سنت از آنان پیروی نمی کنند؛ به همین جهت بین شیعه و اهل سنت در معارف اسلامی و احکام شرعیه مانند:

وضو، نماز و... تفاوت هایی وجود دارد که در این باره (اختلاف معارف و احکام شرعی) کتاب های مستقلی نوشته شده که کتاب "الخلافا" مرحوم شیخ طوسی؛ بحوث فی الملل والنحل، آیه الله جعفر سبحانی؛ الفقه المقارن للاحوال الشخصیه بین المذاهب الاربعه السنیة والمذهب الجعفری، بدران ابوالعینین بدران؛ و... از جمله آنهاست

اختلاف میان اهل تسنن و تشیع در چیست ؟

ریشه اساسی اختلاف آن است که اهل تسنن به سیره خلفا روی آورده، و حتی اجتهادات آنان در برابر نصوص دینی را حجت می دانند، لذا حتی در مواردی که سیره خلفا برخلاف ظاهر قرآن یا پیامبر باشد، به آن عمل می کنند.

مثلاً در باب وضو، مسأله چگونگی شستن دست ها نیز از سویی بازگشت به تردید در سیره پیامبر می کند و از سویی به تفسیر آیه شریفه: «فاغسلوا وجوهکم وایدیکم الی المرافق» بر اساس

روایاتی که سیره پیامبر (ص) را توضیح داده اند نحوه شستن دست ها توسط آن حضرت از بالا به پایین بوده که مطابق روند طبیعی جریان آب است و کلمه «الی» که در آیه آمده به عنوان منتهای غایت ذکر شده است؛ یعنی حد نهایی شستن دست ها را بیان فرموده است؛ لیکن بنا به تفسیر اهل تسنن «الی» در آیه بیانگر جهت شست و شواست.

وجه اصلی افتراق برادران شیعه و سنی از نظر مذهب آن است که شیعیان در فقه و نیز اصول

اعتقادی خود پیرو مکتب اهل بیت: می باشند ولی برادران اهل سنت در این زمینه از فقیهانی غیر از اهل بیت: نیز تبعیت می کنند. همین امر موجب آن گردیده که تفاوت هایی از عملی نیز در احکام بروز نماید.

پس از پیامبر اکرم ۶ افراد زیادی به عنوان صحابه و یا تابعین از آن حضرت نقل حدیث می کردند. این نقل ها سرآغاز شکل گیری فقه و مکاتب فقهی بوده است.

متأسفانه به دلیل فاصله گرفتن حکومت و خلافت پس از پیامبر اکرم ۶ این حکومت ها بنا به دلایل سیاسی به ترویج افراد و مکاتبی که متفاوت با مکتب اهل بیت: بود همت گماشتند تا آن جا که حتی قرن های بعد همه مذاهب فقهی دیگر رسمیت یافتند، ولی مکتب اهل بیت رسمیت نیافت.

درگیری مداوم شیعه با حکومت های اموی و عباسی و عثمانی نیز مزید بر علت گردید. از همین رو می بینیم مذهب حنفی ترویج می شود ولی مذهب استاد ابو حنیفه مسکوت می ماند. اگر ائمه: دائماً از مظلومیت خود سخن رانده اند یکی از مظاهر آن همین مسأله بوده است. لازم به ذکر است ابو حنیفه تنها از امام صادق ۷ اخذ حدیث و علم ننموده، بلکه طرق دیگری نیز برای اخذ حدیث داشته است.

۱- آنگاه هدایت شدم تیجانی

۲- چرا شیعه شدم رازی

۳- شبهای پیشاور سلطان الواعظین

۴- ادیان و مذاهب جهان نبی حسینی

۵- تاریخ فقه صدری

۶- ادوار فقه محمود شهابی

۷- اصحاب صحاح سته صالحی

۸- یادنامه شیخ طوسی

چرا بین شیعه و سنی در مورد ولادت حضرت مهدی (عج) اختلاف وجود دارد؟

در پرسش دو احتمال وجود دارد:

۱- احتمال اول آن است که عالمان شیعی و سنی در تولد و عدم تولد امام زمان (عج) اختلاف

دارند؛ بدین معنا که دانشوران شیعی باور دارند امام زمان (ع) متولد شده؛ ولی اندیشمندان اهل

سنت می گویند که حضرت هنوز متولد نشده است. اگر مقصود این باشد، باید گفت: اصل

ولادت مهدی از واقعیات تاریخ است. به جز ائمه طاهرین، و عالمان و محدثان شیعه، بسیاری از

تاریخ نگاران و محدثان اهل سنت نیز بدین معنا تصریح کرده، و آن را یک واقعیت دانسته اند.

برخی از نویسندگان، نام بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتب آنان را ذکر نموده اند. (۱) آن

عده از عالمان اهل سنت که ولادت امام زمان (ع) را انکار کرده اند، می گویند حضرت در آینده

متولد خواهد شد. از آن رو حکومت عباسی با گسترش اخبار مهدویت، به وحشت افتاده بودند و

چاره آن کار را در این دیدند که امام هادی و عسکری را در محاصره قرار بدهند تا همانند جریان

فرعون و حضرت موسی از ولادت امام مهدی (عج) جلوگیری به عمل آورند، یا در کودکی او را

بکشند، برای خنثی سازی این نقشه شوم، امام عسکری (ع) تصمیم گرفت جریان ولادت حضرت

مهدی (عج) را مخفی نگه دارد و تنها به شیعیان خاص اطلاع دهد.

این سیاست موجب شد برخی در ولادت حضرت شک و تردید داشته باشند، لیکن در دوره ۶۹ ساله غیبت صغری با شواهد و قرائن برای شیعیان ولادت حضرت ثابت شد، اما دیگر عالمان به جهت عدم ارتباط آنان با سازمان و کالت تا حدودی شک و تردید در بین آنان باقی مانده یا این

که مسایل دیگر در رویکرد آنان مؤثر بوده اند. مضافاً بر این که در خیلی از مسایل تاریخی مورخان و اندیشمندان با هم اختلاف نظر دارند. در این جا به دیدگاه چند تن از عالمان اهل سنت اشاره می شود که تصریح کرده اند حضرت حجّت متولد شده است:

۱- شمس الدین ابن خلکان می نویسد: "ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد، دوازدهمین امام شیعه است. لقب معروف او حجّت است. شیعیان همو را، "منتظر" و "قائم" و "مهدی" می دانند. (۲)

۲- شیخ سلیمان قندوزی می نویسد: "خبر معلوم و مسلم، در نزد مؤثقان، این است که ولادت

قائم(ع)، در نیمه شعبان واقع شده است، به سال ۲۵۵، در شهر سامرا". (۳)

۳- شیخ عبدالوهاب شعرانی می نویسد: "مهدی(عج) از اولاد امام حسن عسکری است. در شب

نیمه شعبان سال ۲۵۵ متولد شده و زنده است تا این که با عیسی بن مریم ملاقات کند". (۴)

۲. احتمال دوم آن است که اندیشمندان شیعه و سنی در تاریخ تولد امام زمان(ع) اختلاف دارند.

اگر مقصد آن باشد باید گفت: اختلاف دانشمندان اهل سنت و شیعیان در خصوص تاریخ تولد و

تاریخ وفات بزرگان دین اختصاص به امام زمان(ع) ندارد. آنان در خیلی از مسایل دیگر نیز

اختلاف دارند، مثلاً دانشمندان اهل سنت عقیده دارند که پیامبر(ص) در ۱۲ ربیع الاول عام الفیل

متولد شده و حال آن که مورخان شیعه بر این باورند که حضرت در ۱۷ ربیع الاول چشم به جهان

گشوده است. این گونه اختلافات بان جهت بوده که در آن زمان، وسایل و ابزار علمی - مانند امروز وجود نداشته است که تاریخ شفاف ضبط گردد، افزون بر این که گذشت زمان در ابهام سازی برخی از مسایل تاریخی نقش دارد.

اختلاف در تاریخ ولادت امام زمان(ع) از این قاعده جدا نبوده و در تاریخ تولد او نیز ناهمگونی جزئی وجود دارد که این گونه تفاوت قابل قبول است.

در پایان بیان می داریم که اگر مراد شما جز این است و یا پاسخ سؤال را کافی نیافتید، برای ما بنویسید تا پاسخ دیگر دریافت نمایید.

پی نوشت ها:

۱. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب ۱۸؛ محمد کاظم قزوینی، الامام المهدی، ص ۱۱ - ۸

۲. وفات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۶.

۳. الیواقیت و الجواهر، ص ۱۴۵.

۴. ینایع الموده، ص ۴۵۲، به نقل از خورشید مغرب، ص ۲۰.

تفاوت بین عقاید و اعمال شیعه و سنی (مانند وضو و نماز) ناشی از چیست ؟

در ابتدا ذکر یک مطلب به عنوان مقدمه و به صورت کلی لازم است: به اعتقاد شیعه امامیه، هیچ کس جز نبی اکرم (ص) حق تشریح و تفسیر و تبیین احکام الهی را ندارد. پیامبر اکرم (ص) از طریق اتصال به منبع غیب، از احکام الهی مطلع می شدند و مأمور به تبلیغ این احکام بودند. پس از پیامبر اسلام طبق نص و تصریح ایشان، ائمه (ع) برای تبیین احکام الهی (و نه تشریح آن) منصوب شده اند. از جمله طبق حدیث مورد اتفاق جمیع فرق مسلمین: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و

عترتی ما ان تمسکتُم بها لن تضلوا ابداً؛ دو شیء گرانبها میان شما باقی می گذارم: کتاب خدا و اهل بیت، مادامی که به این دو چنگک بزیند گمراه نخواهید شد».

اگر ائمه (ع) حکمی یا کیفیت عملی را بیان می کنند، صرفاً "بیان حکم الهی و نحوه عمل و سیره

رسول اکرم (ص) است و از پیش خود چیزی را تشریح نمی کنند. منشأ پیدایش برخی تفاوت ها در کیفیت نماز و وضو، به دو عامل اساسی برمی گردد:

۱- دور شدن از عصر حضور پیامبر اکرم (ص) و پیدایش سؤالات جدید: با رحلت رسول اسلام و

دوران دسترسی به کسی که مبین حکم الهی بود به سیر رسید. با گذشت زمان و دور شدن از عصر

نبی اکرم و پیدایش مسائل و سؤالات جدیدی در زمینه های مختلف (از جمله در زمینه مسائل

مربوط به نماز و وضو) اهل سنت - که راه دسترسی به بیانگر حکم الهی را بسته می دیدند - برای

یافتن پاسخ سؤالات خود، با اجتهاد و سلیقه خود به پاسخ آنها پرداختند.

اما از دیدگاه شیعه ائمه معصومین و مفسر و بیانگر حکم الهی بعد از نبی اکرم و بنا به سفارش ایشان

بودند. آنان تا حدود ۲۵۰ سال پس از رحلت نبی اکرم و نیز دسترسی به مبین و مفسر احکام الهی

داشتند و ائمه (ع)، آنچه را که حکم الهی بود تبیین می کردند؛ مثلاً "در مسائلی چون: آیا می

توان با کفش نماز خواند؟ آیا اگر بر روی زمین و محل سجده نماز گزار، چیزی غیر از اجزای

زمین (مثل فرش) فاصله شود، می توان بر آن سجده کرد یا نه؟ آیا خواندن سوره هایی که سجده

واجب دارد در قرائت نماز جایز است و... در حالی که اهل سنت در این امور به فهم و رأی خود

استناد کرده اند.

۲- تغییرات و تشریحاتی که از سوی خلفاء پس از رحلت رسول اکرم (ص) صورت گرفت - مانند

مسأله تکتف (دست بسته نماز خواندن)، عموماً "از زمان عمر خلیفه دوم مرسوم شد. به عنوان نمونه وقتی اسیران فارس را نزد وی آوردند، آنان مقابل عمر دست بسته ایستادند. وی علت این عمر را جویا شد، گفتند ما مقابل امیران و بزرگان خود به جهت احترام این گونه می ایستیم. عمر از این نحوه اظهار ادب خوشش آمد و گفت خوب است ما هم در مقابل خداوند در نماز این گونه بایستیم (مستند العروه الوثقی، آیت الله خویی، ج ۴، ص ۴۴۵ - جواهرالکلام، ج ۱۱، ص ۱۹).

در مسأله وضو آمده است که وضوی همه ی مسلمانان تا خلافت عثمان صورت واحدی داشته و مانند وضوی کنونی شیعه بوده است. این مسأله با آیه قرآن نیز تطبیق دارد که می فرماید:

«وامسحوا برؤوسکم وارجلکم» (مائده، آیه ۶)

در این آیه خداوند امر به مسح سر و پاها نموده است، در حالی که اهل تسنن پاها را می شویند، علت تغییر وضو این بود که عثمان در اواسط دوران خلافت خود نسبت به چگونگی وضوی پیامبر گرفتار تردید شد، او سپس وضوی پیامبر را به شکلی که اکنون در میان اهل سنت مرسوم است اعلام نمود. این قضیه مورد مخالفت بسیاری از صحابه پیامبر واقع شد، لکن حکومت اموی بنا به اغراض سیاسی در نقاط مختلف اسلامی شیوه عثمان را تبلیغ کردند و جوی به وجود آوردند که برخی از صحابه جرأت مخالفت با روش دستگاه حاکم را نداشت و در نتیجه این گونه وضو گرفتن رواج یافت.

برای آگاهی بیشتر ر. ک: وضوء النبی من خلال ملابسات التشریح، علی الشهرستانی، نشر مشعر.

منابع :

سایتهای

<http://www.porsojoo.com/fa/node/31272>

www.aftab.ir

www.daneshnameh.roshd.ir

www.tebyan.net